



**کاربرد روش چشم انداز
در
آزادی سیاسی جمهوری اسلامی ایران**

دکتر محمود علی پور گرجی
عضو هیئت علمی دانشگاه آیت الله بروجردی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
تابستان ۱۳۹۲

علی‌پور گرجی، محمود، ۱۳۴۲ -
کاربرد روش چشم‌انداز در آزادی سیاسی جمهوری اسلامی ایران / محمود علی‌پور گرجی. - قم: پژوهشگاه
حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲.
یازده، ۲۴۰ص: مصور، جدول. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۲۴۳: علوم سیاسی؛ ۶)
ISBN: 978-600-5486-72-8
بها: ۶۳۰۰۰ ریال
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه: ص. [۲۱۹]-۲۳۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.
۱. آزادی - جنبه‌های سیاسی - ایران. ۲. ایران - سیاست و حکومت - آینده‌نگری. الف. پژوهشگاه حوزه و
دانشگاه. ب. عنوان.
۳۲۳/۴۴ JC ۵۹۹ / الف ۹ / ع ۸ ۱۳۹۲
شماره کتابشناسی ملی
۳۰۹۷۳۲۱



کاربرد روش چشم‌انداز در آزادی سیاسی جمهوری اسلامی ایران
مؤلف: دکتر محمود علی‌پور گرجی (عضو هیئت علمی دانشگاه آیت‌الله بروجردی)

ویراستار: سعیدرضا علی‌عسکری

صفحه‌آرایی: کاما

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۲

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۶۳۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۳۳۱۱۱۱ - ۰۲۵ (انتشارات: ۳۳۱۱۱۳۰۰) شماره: ۳۲۸۰۳۰۹۰،
ص.پ. ۳۱۵۱ - ۳۷۱۸۵ ● تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰ - ۰۲۱ و ۶۶۹۷۸۹۲۰

Website: www.rihu.ac.ir

Email: info@rihu.ac.ir

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر به عنوان متن کمک‌درسی برای دانشجویان رشته علوم سیاسی، گرایش اندیشه سیاسی تدوین شده است. امید می‌رود که علاوه بر جامعه دانشگاهی، سایر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند شوند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از مؤلف محترم دکتر محمود علی‌پور گرجی و ارزیابان پژوهشگاه سپاسگزاری نماید.

فهرست مطالب

مقدمه مؤلف	۱
فصل اول: کلیات	۳
۱. طرح تفصیلی پژوهش	۳
۱-۱. بیان مسئله	۳
۲-۱. علت انتخاب موضوع و اهداف آن	۴
۳-۱. سؤالات و فرضیه پژوهش	۶
۴-۱. سازمان‌دهی پژوهش	۷
۲. مفاهیم	۸
۱-۲. چشم‌انداز (visions)	۸
۲-۲. ارزش‌های اساسی (Core Values)	۹
۳-۲. پویای منابع	۹
۴-۲. اسناد بالادستی	۹
۵-۲. حقوق طبیعی (فطری)	۹
۶-۲. آزادی سیاسی	۱۰
۱-۶-۲. مفهوم‌شناسی آزادی	۱۰
الف) آزادی به عنوان فقدان موانع	۱۳
ب) آزادی به عنوان شأن و موقعیت اجتماعی	۱۴
ج) آزادی به عنوان حق تعیین سرنوشت	۱۵
د) آزادی به عنوان انجام خواسته‌ها	۱۵
ه) آزادی به عنوان امکان انتخاب	۱۵
و) آزادی به عنوان قدرت مؤثر و توان عمل	۱۵
۲-۶-۲. ابعاد آزادی	۱۶
الف) آزادی فلسفی؛ آزادی اراده	۱۶

۱۷ (ب) آزادی اخلاقی
۱۸ (ج) آزادی عرفانی
۱۸ (د) آزادی حقوقی (قانونی) یا تجویزی
۱۸ ۳-۶-۲. آزادی سیاسی
۲۰ ۴-۶-۲. معرفت‌شناسی و غایت‌شناسی آزادی سیاسی
۲۱ ۵-۶-۲. مصادیق آزادی سیاسی
۲۲ الف) حق انتخاب و آزادی رأی
۲۲ ب) آزادی احزاب، انجمن‌ها و تشکیل اجتماعات
۲۲ ج) آزادی مطبوعات و آزادی بیان
۲۳ جمع‌بندی
۲۵ فصل دوم: الگوی تحلیل چشم‌انداز آزادی سیاسی
۲۶ ۱. روش چشم‌انداز آزادی سیاسی و آینده ممکن، محتمل و مرجح
۲۷ ۲. استلزامات تدوین چشم‌انداز
۲۸ ۳. روش چشم‌انداز آزادی سیاسی، یک رویکرد هنجاری در آینده‌پژوهی
۳۰ ۴. فرایند تدوین چشم‌انداز آزادی سیاسی
۳۰ ۱-۴. تحلیل وضع موجود
۳۱ ۲-۴. وصل کردن آینده به حال
۳۲ ۳-۴. اختلاف در مراحل تدوین چشم‌انداز
۳۴ ۵. الگوی منتخب تدوین چشم‌انداز
۳۴ مرحله اول: تعیین ارزش‌ها
۳۵ ۱. ارزش‌های اساسی
۳۶ ۲. اهداف بنیادین
۳۶ مرحله دوم: پویش منابع و پیمایش محیط
۳۷ مرحله سوم: آینده تصویرشده
۳۸ ۱. اهداف پرمخاطره و متهورانه برای ده تا سی‌ساله (BHAG)
۳۹ ۲. توصیف شفاف
۳۹ مرحله چهارم: برنامه اقدام (Action plan)؛ چالش‌ها و راهکارها
۴۰ جمع‌بندی
۴۳ فصل سوم: مبانی نظری - ارزشی در چشم‌انداز آزادی سیاسی جمهوری اسلامی ایران
۴۸ ۱. جایگاه ارزش‌ها از منظر رهبران جمهوری اسلامی ایران
۴۸ ۱-۱. امام خمینی(ره) و پایه‌های ارزشی جمهوریت و اسلامیت
۴۸ الف) امام خمینی(ره) و جمهوریت
۵۱ ب) امام خمینی(ره) و اسلامیت

۵۲	۱. اهانت به مقدسات اسلامی
۵۳	۲. تضعیف روحانیت
۵۳	۳. فساد
۵۳	۴. زیان نرساندن به دیگری
۵۳	۵. ترویج آزادی غربی
۵۵	۲-۱. مقام معظم رهبری و محورهای ارزشی جمهوریت و اسلامیت
۵۵	الف) مقام معظم رهبری و جمهوریت
۶۰	ب) مقام معظم رهبری و اسلامیت
۶۱	۲. قانون اساسی و پایه‌های ارزشی جمهوریت و اسلامیت
۶۱	الف) قانون اساسی و جمهوریت
۶۳	ب) قانون اساسی و اسلامیت
۶۴	۱. ارتداد
۶۵	۲. توهین، مسخره کردن، غیبت و افشای اسرار و عیوب دیگران
۶۵	۳. قذف، افترا و نسبت دادن کفر به مسلمان
۶۶	۴. ترویج فساد و فحشا
۶۶	۵. توهین به مقدسات
۶۷	۶. بدعت گذاشتن و افترا بستن به خدا
۶۸	۷. افشای مسائل امنیتی و اطلاعاتی و اسرار کشور
۶۸	۸. فتنه و ایجاد وحشت و اضطراب در مردم
۶۹	جمع‌بندی
۷۱	فصل چهارم: پویای منابع (۱)؛ آزادی سیاسی از منظر رهبران عالی‌نظام جمهوری اسلامی ایران ...
۷۲	الف) آزادی از منظر امام خمینی(ره)
۷۲	۱. خاستگاه و منشأ آزادی
۷۴	۱-۱. هستی‌شناسی امام خمینی(ره) و تأثیر آن بر آزادی
۷۴	۲-۱. انسان‌شناسی امام خمینی(ره) و تأثیر آن بر آزادی سیاسی
۷۷	۲. تعریف آزادی از منظر امام خمینی
۷۷	۱-۲. آزادی فلسفی یا توصیفی
۷۹	۲-۲. آزادی حقوقی (قانونی)
۸۱	۳. انواع آزادی سیاسی
۸۲	۱-۳. آزادی بیان
۸۳	۲-۳. آزادی احزاب
۸۴	۳-۳. آزادی مطبوعات
۸۴	- مستقل و آزاد بودن

۸۵ بیان حقایق امور، نظارت بر نهادهای حکومتی
۸۶ ۴-۳. آزادی انتخابات
۸۶ مشارکت و حضور مردمی؛ انتخابات غیر فرمایشی
۸۷ آزادی مردم در امر انتخاب
۸۷ در انحصار حزب یا گروهی خاص نباشد
۸۹ ۵-۳. آزادی و نفی استبداد به رأی
۹۱ ۴. محدوده‌های آزادی سیاسی
۹۲ ۱-۴. آزادی در چارچوب قوانین اسلامی
۹۳ ۲-۴. آزادی در چارچوب قانون
۹۴ ۳-۴. ممنوعیت آزادی توطئه و براندازی نظام
۹۷ (ب) آزادی از منظر مقام معظم رهبری
۹۸ ۱. خاستگاه و منشأ آزادی؛ هستی‌شناسی آزادی
۹۸ - نظریه حقوق موضوعه
۹۸ - نظریه سیاسی - فلسفی حقوق طبیعی (فطری)
۱۰۰ ۲. آزادی سیاسی
۱۰۶ ۳. انواع آزادی سیاسی
۱۰۶ ۱-۳. آزادی بیان
۱۰۸ ۲-۳. آزادی مطبوعات
۱۰۹ - نقد و نظارت
۱۱۰ - اطلاع‌رسانی صادقانه و شفاف؛ هدایت جامعه
۱۱۰ - هدایت جامعه؛ دفاع از ارزش‌ها و آرمان‌ها
۱۱۱ - تبادل آرا و افکار گوناگون
۱۱۱ ۳-۳. آزادی احزاب
۱۱۵ ۴-۳. آزادی انتخابات
۱۱۵ ۴. محدوده‌های آزادی سیاسی
۱۱۷ ۱-۴. آزادی در چارچوب قوانین اسلامی
۱۱۷ ۲-۴. آزادی در چارچوب قانون
۱۱۸ ۴-۳. ممنوعیت آزادی توطئه و براندازی نظام
۱۱۹ جمع‌بندی
۱۲۳ فصل پنجم: پویش منابع (۲)؛ آزادی سیاسی در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران
۱۲۳ الف) آزادی در قانون اساسی
۱۲۴ ۱. آزادی بیان
۱۲۴ الف) آزادی از تفتیش عقیده

۱۲۴	ب) آزادی داشتن عقیده
۱۲۴	ج) آزادی ابراز عقیده
۱۲۶	د) آزادی ابراز نکردن عقیده
۱۲۶	ه) آزادی از تحمیل عقیده
۱۲۷	و) آزادی دریافت اطلاعات
۱۲۸	۲. آزادی اجتماعات
۱۲۸	الف) آزادی اجتماع عمومی
۱۳۰	ب) آزادی مجامع و انجمن‌ها؛ احزاب و...
۱۳۱	۳. آزادی مطبوعات
۱۳۵	۴. آزادی و نفی استبداد به رأی
۱۳۶	ب) سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران
۱۳۹	جمع‌بندی
۱۴۱	فصل ششم: آینده تصویرشده در آزادی سیاسی
۱۴۱	تصویر اول: نقش ابزاری
۱۴۲	تصویر دوم: نقش خنثی
۱۴۲	تصویر سوم: نقش واسط
۱۴۳	تصویر چهارم: نقش کارگزار
۱۴۵	۱. ابزاری بودن (نه هدف بودن) حکومت برای تحقق اهداف بنیادین
۱۴۶	۲. دولت خدمتگزار، نه فرمانروا
۱۴۷	۳. دولت امانتدار مردم
۱۴۸	۴. رابطه تفاهمی دولت و مردم
۱۴۹	۵. حاکمیت قانون
۱۴۹	۶. نظارت و آزادی بیان
۱۵۲	۷. جمهوریت و اسلامیت به عنوان ارزش‌های اساسی در آینده تصویرشده
۱۵۲	۷-۱. جمهوریت: حق حاکمیت مردم (آزادی در حق تعیین سرنوشت) و لزوم تبعیت از آرای مردم
۱۵۴	۷-۲. اسلامیت
۱۵۵	۸. مطبوعات و رسانه‌ها در آینده تصویرشده
۱۵۵	۸-۱. نقد و نظارت
۱۵۶	۸-۲. اطلاع‌رسانی صادقانه و شفاف
۱۵۶	۸-۳. هدایت جامعه؛ دفاع از ارزش‌ها و آرمان‌های جامعه
۱۵۷	۹. احزاب در آینده تصویرشده
۱۵۹	الف) انتقاد به جای توطئه
۱۵۹	ب) رعایت قوانین

۱۶۰	ج) فعالیت غیر مسلحانه
۱۶۰	د) وابستگی نداشتن به کشورهای دیگر
۱۶۰	ه) رعایت وحدت ملی
۱۶۰	و) رعایت قوانین اسلامی
۱۶۰	۱۰. انتخابات در آینده تصویر شده
۱۶۱	الف) حضور همگانی مردم
۱۶۲	ب) آزادی در امر انتخاب؛ انتخاب آگاهانه
۱۶۳	ج) فضای انتخابات سالم باشد
۱۶۳	د) انتخابات در انحصار حزب و گروه خاصی نباشد
۱۶۴	ه) برابری حق رأی
۱۶۷	جمع‌بندی
۱۶۹	فصل هفتم: چالش‌ها و راهکارها
۱۶۹	الف) چالش‌های مربوط به ایده‌ها و بینش‌ها
۱۶۹	- نگرش فردی و گروهی به جای منافع جمعی
۱۷۱	- نگرش رادیکال به جای همکاری
۱۷۲	- تخصص به جای اختلاف
۱۷۲	- طرح ایده آزادی فراقانونی
۱۷۳	- فقدان نگرش اجماعی در مورد شاخص‌های آزادی سیاسی
۱۷۳	- ایدئولوژیک شدن فضای سیاسی
۱۷۳	ب) چالش‌های مربوط به بازیگران
۱۷۳	- ضعف دانش سیاسی و دینی
۱۷۴	- تشنیت و تفرقه‌برانگیزی
۱۷۵	- استغنائی سیاسی
۱۷۵	- گروه‌های ذی‌نفوذ یا گروه‌های فشار
۱۷۶	- غیر بومی بودن الگوها و رقابت‌های سیاسی
۱۷۷	- مقطعی و موسمی بودن فعالیت احزاب
۱۷۸	ج) چالش‌های مربوط به نقش و جایگاه مردم در ساختار نظام
۱۸۰	نگاهی به مفهوم «جمهوریت» در جمهوری اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه
۱۸۶	د) چالش‌های مربوط به دولت و آزادی سیاسی
۱۸۶	- دولت ضعیف
۱۸۷	- دولت سیاسی کار
۱۸۸	- دولت غیر منسجم
۱۸۸	- دولت قدرت‌طلب

۱۸۹	ه) چالش‌های حقوقی آزادی سیاسی
۱۹۴	۱. تأکید بر دو محور ارزشی اسلامیت و جمهوریت
۱۹۵	۱-۱. عدم جواز طرح الگوی غیر اسلامی
۱۹۷	۲-۱. تأکید بر جمهوریت نظام
۱۹۷	۲. قانون‌گرایی
۱۹۸	۳. رعایت وفاق و وحدت ملی
۱۹۹	۴. ضرورت اجماع نخبگان
۲۰۱	۵. تقویت نهادهای مدنی
۲۰۱	۶. ایجاد فضای همکاری و گفتگوی همراه با انتقاد سالم
۲۰۳	۷. اقدامات فرهنگی؛ آموزش و تربیت سیاسی
۲۰۵	۸. آنچه به عهده احزاب و مطبوعات است
۲۰۵	۸-۱. نهادینه کردن رقابت‌ها؛ پراکنده نبودن رقابت‌ها
۲۰۷	۸-۲. تأکید بر وظیفه اصلی دولت بدون کارکرد جناحی
۲۰۷	۸-۳. تأکید بر وظیفه اصلی رسانه‌ها؛ اطلاع‌رسانی بدون کارکرد جناحی
۲۰۹	۸-۴. نوع حزب مناسب با الگوی بومی در ایران
۲۱۰	فرجام سخن
۲۱۹	منابع و مأخذ
۲۱۹	الف) کتاب‌ها
۲۲۵	ب) مقالات
۲۳۱	نمایه‌ها
۲۳۱	نمایه آیات و روایات
۲۳۳	نمایه اعلام
۲۳۶	نمایه موضوعات

مقدمه مؤلف

پژوهش حاضر با استفاده از چشم‌انداز که یک روش آینده‌پژوهی است، به دنبال وضعیت مطلوبی از آزادی سیاسی در جمهوری اسلامی ایران است و در دو سطح اکتشافی (کجا هستیم، چه می‌کنیم) و هنجاری (کجا باید برویم) انجام می‌گیرد. در مورد خلق چشم‌انداز اتفاق نظری وجود ندارد؛ به‌ویژه اینکه چشم‌انداز در ساختار مدیریتی و سازمانی به بحث گذاشته شده و در مسائل سیاسی به مثابه یک روش به کار برده نشده است. در این پژوهش از میان مدل‌های مختلف بر الگوی منتخب تأکید شده است: تعیین ارزش‌های اساسی، پویش منابع (شامل اسناد بالادستی و اندیشه‌های سیاسی رهبران عالی‌نظام)، ترسیم آینده‌تصویر شده (شامل بی‌هنگام‌ها و توصیف شفاف) و چالش و راهکارها.

ارزش‌های اساسی آزادی سیاسی در جمهوری اسلامی ایران به عنوان خطوط قرمز عام و فراگیر، بر دو محور اسلامیت و جمهوریت تکیه دارند؛ به تعبیر مقام معظم رهبری، جمهوری اسلامی مرکب انضمامی نیست، بلکه یک هویت است که هر دو معیار از سوی خدا فرمان داده شده است. اما این دو محور در پیمایش محیطی، همواره در نوسان بوده است.

چشم‌انداز آزادی سیاسی، علاوه بر ارزش‌های اساسی، محصول منابع، یعنی اسناد بالادستی و اندیشه‌های سیاسی رهبران عالی‌نظام است. در بخش منابع، آزادی سیاسی به این معنا که فرد «بتواند» در زندگی سیاسی و اجتماعی کشور خود، مشارکت سیاسی داشته باشد، در سه شاخص مطبوعات، احزاب و انتخابات مورد مذاقه قرار گرفته است. از منظر منابع، احزاب، مطبوعات و انتخابات آزادند، اما با شرایطی که در گفتار محدوده‌های آزادی مطرح شده است. رهبران عالی‌نظام، آزادی را از جمله حقوق طبیعی و حقوق اولیه بشر می‌دانند که خداوند به او عطا نموده است. این پژوهش پس از بررسی جایگاه و ارزش‌ها، پویش منابع، وضعیت مطلوبی از

آزادی سیاسی را با استفاده از بی‌هنگام‌ها (هدف بزرگ سخت متهورانه) و اهداف عینی ترسیم نمود که ظرفیت تحقق آن در منابع و ارزش‌ها وجود دارد. بر این اساس، در مسیر تحقق ارزش‌ها، اهداف بنیادین و اهداف عینی در آینده تصویر شده، جمهوری اسلامی ایران کشوری است الهام‌بخش در زمینه آزادی سیاسی که بر سند چشم‌انداز، قانون اساسی، اندیشه‌های امام خمینی و اندیشه‌های مقام معظم رهبری مبتنی است. آزادی سیاسی جمهوری اسلامی ایران در افق این چشم‌انداز، باید از ویژگی‌های فطری، متکی بر ارزش‌های اساسی و... برخوردار باشد، که در گفتار منابع بررسی می‌گردد. آینده تصویر شده هر چند که با منابع اسناد بالادستی و ارزش‌های بنیادین، سازگار است اما در پیمایش محیطی با چالش‌هایی روبه‌روست که این چالش‌ها از لحاظ ایده‌ها و بینش‌ها، بازیگران، دولت و حقوق قابل بررسی‌اند برای رسیدن به وضعیت مطلوب آزادی سیاسی، راه‌هایی پیشنهاد شده است از جمله: تأکید بر دو محور ارزشی اسلامیت و جمهوریت، تأکید بر قانون‌گرایی، تأکید بر وفاق ملی، ضرورت اجماع‌نخبگان، اقدامات فرهنگی و اقدامات مربوط به احزاب.

در پایان بر خود فرض می‌دانم به تبعیت از سیره امام علی(ع) در تعبیر زیبایشان «الشکر ترجمان النیة و لسان الطویه» (سپاسگزاری، آهنگ دل و زبان ضمیر و باطن انسان است)، از تمام استادان و سرورانی که در به ثمر رسیدن این اثر نقش داشته‌اند، تشکر و قدردانی کنم. در انجام این پژوهش همواره از راهنمایی مشفقانه و مشاوره‌های بی‌دریغ و صمیمانه استادان محترم دکتر بهروزی لک، دکتر فیرحی، دکتر خزایی، دکتر آل‌غفور، دکتر ستوده، دکتر عیوضی و دکتر گودرزی بهره‌مند بوده‌ام. اگر راهنمایی و مشاوره‌های صمیمانه این استادان بزرگوار نبود، این اثر نافرجام رها می‌شد. قدردان یاری ایشان هستم و «من علمنی حرفاً فقد صیرنی عبداً».

همچنین از مسئولان محترم دانشگاه باقرالعلوم(ع)، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و صبر، حوصله و همکاری صمیمانه مسئول و کارمندان کتابخانه دانشگاه باقرالعلوم(ع)، به ویژه کتابدار محترم آقای جلیلی و آقای کریم‌تبار؛ انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و ویراستار محترم تشکر و قدردانی می‌کنم. مزید توفیقات آنان را از خداوند منان آرزو مندم.

محمود علی‌پور گرجی

دانشگاه آیت‌الله بروجردی

تابستان ۱۳۹۱

فصل اول

کلیات

۱. طرح تفصیلی پژوهش

۱-۱. بیان مسئله

آزادی سیاسی در تاریخ اندیشه و نظریات سیاسی، موضوع پژوهش‌های گوناگونی قرار گرفته است. به‌رغم پیشینه نظری آزادی در ایران، آزادی سیاسی همچنان مقوله بحث‌برانگیزی است. شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران، با تأکید بر اصل، آن را به عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف خود، در کنار استقلال و استقرار جمهوری اسلامی قرار داده است. اصل نهم قانون اساسی اعلام داشته است: در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند؛ ... و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی‌های مشروع را هرچند با وضع قوانین و مقررات سلب کند.

بر این اساس، آزادی از عوامل سازنده نظام جمهوری اسلامی ایران بوده و از ارکان آن محسوب می‌شود. منزلت آزادی در کلیت نظام جمهوری اسلامی به اندازه‌ای است که به موجب نص قسم اخیر اصل نهم، حتی قانونگذار عادی نیز فاقد توانایی و صلاحیت جهت سلب و نقض آزادی‌های مشروع ملت دانسته است.

علی‌رغم اهمیت آزادی در جمهوری اسلامی ایران، در عمل با تغییر دولت‌ها، تعریف، نگرش و مصادیق آزادی سیاسی نیز دچار تغییرات مهمی شده است. تفاوت نگرش گروه‌ها و دولت‌ها درباره آزادی سیاسی تفاوت در مصادیق (از جمله مصادیق آزادی سیاسی، آزادی بیان و قلم، آزادی احزاب، انجمن‌ها و آزادی انتخابات) است و گاه محدودیت‌های آزادی سیاسی را به دنبال داشته است. اهمیت و نوسان‌های روند آزادی سیاسی در حالی است که هنوز وضعیت مطلوب از آزادی سیاسی ارائه نشده است. پژوهش حاضر به دنبال ترسیم وضعیت مطلوب از آزادی سیاسی با

عنوان چشم‌انداز است. تمرکز زمانی تحقیق دوره سی‌ساله جمهوری اسلامی ایران است. بر این اساس، در این پژوهش با بررسی اسناد بالادستی (شامل قانون اساسی و سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران) و اندیشه رهبران عالی‌نظام (اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری) و بررسی جایگاه ارزش‌ها در این منابع، به دنبال ترسیم وضعیت مطلوب آزادی سیاسی هستیم. اما برای اینکه در دام ترسیم وضعیت مطلوب محال قرار نگیریم و به ناکجاآباد نرسیم، بررسی روند آزادی سیاسی سی‌ساله در شاخص‌های احزاب، مطبوعات و انتخابات، با عنوان پیمایش محیطی و تحقیق اکتشافی^۱ (کجا هستیم و چه می‌کنیم) انجام می‌شود. چنانچه این روندها با وضعیت مطلوب آزادی سیاسی همسو باشد، از اهرم سیاست عمومی در جهت تقویت آن استفاده می‌شود، در غیر این صورت باید در تصحیح مسیر آن اقدام شود و چالش‌ها و راهکارهای نزدیک شدن به وضعیت مطلوب بررسی شود. به سخن دیگر، در تدوین چشم‌انداز دو رویکرد مطرح است: نخست رویکرد اکتشافی یا پیش‌بینی؛ از این منظر، وضعیت موجود به دقت بررسی شده و براساس امکانات، قابلیت‌ها و فرصت‌های موجود، تصویری از آینده، پیش‌بینی می‌گردد. رویکرد دوم، رویکرد هنجاری یا پس‌بینی است که در آن با توجه به منابع موجود، به دنبال وضعیت مطلوب است؛ و وضعیت موجود باید خود را به آن وضعیت مطلوب نزدیک سازد. ترسیم وضعیت مطلوب آزادی سیاسی در این پژوهش، یک تحقیق هنجاری است و به دنبال پاسخ به این پرسش است که «آینده مطلوب آزادی سیاسی باید چگونه باشد؟» بر این اساس، تحقیق اکتشافی به این معنا که «آینده آزادی سیاسی چگونه است»، از پژوهش حاضر خارج بوده و پژوهش مستقلی می‌طلبد.

۲-۱. علت انتخاب موضوع و اهداف آن

از سال ۱۳۷۸ش، در دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، برای هم‌جهت‌سازی سیاست‌های کلی، ضرورت ترسیم و تبیین یک افق روشن در آینده ایران مشخص شد. لذا تا مدت‌ها مطالعات و مباحث تحت عنوان «افق آینده ایران اسلامی» ادامه یافت. در سال ۱۳۸۰ش، بر مفهوم «چشم‌انداز» به جای «افق آینده» تأکید شد. و در سال ۱۳۸۲ش، پس از

۱. بررسی روند آزادی سیاسی سی‌ساله در جمهوری اسلامی ایران در پژوهش مستقلی از سوی نویسنده در دست انجام است.

اصلاحاتی که مقام معظم رهبری در مصوبات مجمع درباره چشم‌انداز انجام دادند، به تصویب نهایی رسید و در تاریخ ۱۳۸۲/۸/۲۳ ش، به قوای سه‌گانه ابلاغ شد. مقام معظم رهبری فرمود: سیاست‌ها و برنامه باید به چشم‌اندازی متوجه باشد... این چشم‌انداز توقع ما را از کشور در ده سال آینده مشخص خواهد کرد، ... بنابراین، شاخص‌های در زمینه چشم‌انداز و سیاست‌های کلی باید در ذهن‌ها باشد.^۱

از این رو، پیش از ارائه مراحل فرایند تدوین چشم‌انداز آزادی سیاسی، با این پرسش روبه‌رو هستیم که چرا چشم‌انداز آزادی‌های سیاسی برای یک نظام سیاسی ضرورت دارد؟ در پاسخ باید گفت: پس از انقلاب شاهد شکل‌گیری خرده‌روندهایی به نام «راست» و «چپ» هستیم که با گسست انسجام روند اسلام سیاسی فقاهتی ایجاد گردید. هر یک از خرده‌روندها، ایده‌های متفاوتی در مقوله‌های آزادی سیاسی و شاخص‌های مربوط به آن چون مطبوعات و نحوه برخورد با آنها، انتخابات و احزاب داشته‌اند. بر این اساس، با توجه به: ناسازگاری در روندهای حاکم بر آزادی سیاسی، فقدان هماهنگی میان نخبگان سیاسی، فقدان حس مشترک و سردرگمی پیرامون اهداف، نارضایتی از دستاوردها و روندهای موجود در آزادی سیاسی، فراهم شدن مبنایی برای مشارکت همگانی، زمینه‌سازی برای رسیدن به وضع مطلوب آزادی‌های سیاسی، آمادگی برای شرایط حاکم بر آینده در زمینه آزادی سیاسی و شناخت فرصت‌های پیش‌رو، ترسیم چشم‌انداز آزادی سیاسی به عنوان وضع مطلوب ضرورت دارد. چشم‌اندازهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران در هر سطحی که باشد — دولت، نهادهای سیاسی و گفتمان‌ها — باید برگرفته از چشم‌انداز آزادی سیاسی، به عنوان وضع مطلوب و راهنمای فکری و عملی آنها باشد. که مصداقی از روایت امام علی (ع) است که می‌فرماید: «مَنْ اسْتَقْبَلَ الْأُمُورَ أَبْصَرَ، مَنْ اسْتَدْبَرَ الْأُمُورَ تَحَيَّرَ»^۲ علاوه بر همه اینها، روش چشم‌انداز آزادی سیاسی جمهوری اسلامی ایران از دو منظر

۱. بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۸۲/۵/۱۵.

۲. کسی که (با فکر و اندیشه) به استقبال کارها برود بینا شود. و کسی که از کارها روی گرداند سرگردان ماند (تمیمی آمدی، غرر الحکم، ص ۵۷، ش ۵۷۹). در این زمینه از امام علی (ع) روایات بسیاری در غرر الحکم وارد شده است از جمله:

«من فکر قبل العمل کثر صوابه؛ کسی که قبل از انجام کار اندیشه کند، کارهای درست او بسیار باشد».

«من اعلم فکرة اصواب جوابه؛ کسی که فکر خود را به کار اندازد، پاسخش درست باشد».

«من فکر ابصر العواقب؛ کسی که بیندیشد، به سرانجام‌های کار بینا گردد».

«من أشهر عین فکرة بلغ کنه همته؛ کسی که دیده فکر و اندیشه خود را بیدار نگه دارد، به نهایت همت و مقصود خود می‌رسد».

ضرورت دارد: نخست، آنکه آزادی سیاسی در جمهوری اسلامی ایران را با توجه به اسناد و منابع موجود تبیین نماییم؛ و دوم، از منظر دینی است که بر پایه آن آزادی سیاسی را با نگاه ارزش‌های اسلامی به تصویر کشیده و قادر به مهندسی آن در وضعیت مطلوب باشیم.^۱ که به تعبیر رابرت مایلز، همه تحولات موفقیت‌آمیز از طریق خلق یک چشم‌انداز پدید آمده‌اند.

دلمشغولی اصلی نگارنده، دستیابی به آینده تصویر شده به عنوان چشم‌انداز آزادی سیاسی است؛ که با توجه به اسناد بالادستی (قانون اساسی و سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران) اندیشه سیاسی رهبران عالی‌نظام جمهوری اسلامی ایران (امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری) و ارزش‌های اساسی اسلامیت و جمهوریت، تنظیم شده باشد. همچنین اهداف ذیل در پژوهش حاضر دنبال می‌شود:

۱. دستیابی به مدلی از چشم‌انداز که بتوان در آزادی سیاسی استفاده نمود؛
۲. تعیین فرصت‌ها و تهدیدهای بالقوه برای آزادی‌های سیاسی که به وسیله رویدادها و روندهای فوق به وجود می‌آید؛
۳. ارتقای جهت‌گیری آینده‌نگر در تفکر نخبگان سیاسی در زمینه آزادی‌های سیاسی؛
۴. پیش‌آگاهی دادن به نخبگان سیاسی از رویدادهایی که در زمینه آزادی‌های سیاسی منجر به همگرایی، واگرایی می‌شود.

۳-۱. سؤالات و فرضیه پژوهش

پژوهش حاضر با این پرسش اصلی روبه‌روست که: با توجه به اسناد بالادستی، دیدگاه‌های رهبران (امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری) در نظام جمهوری اسلامی ایران و با در نظر گرفتن روندهای آزادی سیاسی، چشم‌انداز مطلوب آزادی سیاسی در جمهوری اسلامی ایران چگونه باید باشد؟

پرسش‌های فرعی پژوهش که در طول تحقیق بررسی می‌شود بدین شرح‌اند:

۱. مفهوم آزادی سیاسی چیست؟
۲. الگوی مناسب چشم‌انداز برای استفاده در آزادی سیاسی کدام است؟

۱. عبدالرحیم و همکاران، آینده‌پژوهی مفاهیم و روش، ص ۱۲؛ و نیز رک: پدرام و جلالی‌وند، آشنایی با آینده‌پژوهی، ص ۴.

۳. مبانی نظری - ارزشی آزادی سیاسی چیست؟
 ۴. از منظر اسناد بالادستی (قانون اساسی و سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران) آزادی سیاسی چگونه است؟
 ۵. از منظر رهبران عالی‌نظام جمهوری اسلامی ایران (امام خمینی و مقام معظم رهبری) آزادی سیاسی چگونه است؟
 ۶. آینده تصویر شده در چشم‌انداز آزادی سیاسی جمهوری اسلامی ایران چگونه است؟
 ۷. آزادی سیاسی مطلوب با چه چالش‌هایی روبه‌روست و راهکارهای تحقق وضعیت مطلوب چیست؟
- از آنجا که روش چشم‌انداز، یک روش هنجاری است، در پاسخ به پرسش اصلی این فرضیه هنجاری قابل طرح است که:
- طبق مبانی نظری، اسناد بالادستی و دیدگاه رهبران، جمهوری اسلامی ایران در زمینه آزادی‌های سیاسی کشوری الهام‌بخش بوده و چشم‌انداز آزادی سیاسی در جمهوری اسلامی ایران بر ویژگی‌های ذیل استوار خواهد بود:
- آزادی سیاسی در چارچوب ارزش‌های اساسی جامعه اسلامی، امری فطری و از حقوق اولیه انسان محسوب می‌شود؛
 - شهروندان برخوردار از آزادی عقیده و بیان، حق تأسیس حزب و گروه‌های سیاسی فعال، همراه با رسانه‌های آزاد، مستقل و ناظر بر نهادهای حکومتی هستند؛
 - در فرایند تحقق آزادی‌های سیاسی، انتخابات آزاد و بدون انحصار آن در حزب یا گروه خاصی و منطبق بر مبانی ارزشی و چارچوب قانون اساسی و با نظارت نهادهای مسئول و نهادهای مردمی برگزار می‌گردد.

۴-۱. سازمان‌دهی پژوهش

پژوهش حاضر در هفت فصل تنظیم شده است:

- فصل اول: کلیات: طرح تفصیلی پژوهش و مفاهیم؛
- فصل دوم: الگوی تحلیل چشم‌انداز در آزادی سیاسی؛
- فصل سوم: مبانی نظری - ارزشی در چشم‌انداز آزادی سیاسی جمهوری اسلامی ایران؛
- فصل چهارم: دیدگاه رهبران عالی‌نظام درباره آزادی سیاسی؛

فصل پنجم: آزادی سیاسی از منظر اسناد بالادستی؛
فصل ششم: آینده تصویر شده آزادی سیاسی جمهوری اسلامی ایران؛
فصل هفتم: چالش‌ها و راهکارهای تحقق چشم‌انداز آزادی سیاسی جمهوری اسلامی ایران.

۲. مفاهیم

۲-۱. چشم‌انداز (visions)

نکته‌ای در معنای لغوی چشم‌انداز وجود دارد که ما را به معنای اصطلاحی چشم‌انداز رهنمون می‌سازد. واژه ویژن^۱ یا چشم‌انداز، در فرهنگ آکسفورد این‌گونه معنا شده است: «فضایی که آن را از موقعیتی خاص می‌توان دید، ایده یا تصویری در ذهن، رؤیا یا تجربه‌ای این‌چنینی، به‌خصوص از نوع مذهبی، توانایی تفکر درباره برنامه‌ای در آینده». از مجموع این معانی می‌توان چنین نتیجه گرفت که در اصطلاح لغوی یکی از عناصر اصلی چشم‌انداز تصویری از آینده است. در ادبیات آینده‌پژوهی نیز طیف وسیعی از تعریف‌ها درباره چشم‌انداز موجودند که بر تصویری از آینده تأکید دارند:

- آینده‌ای واقع‌گرایانه، قابل اعتماد، و جذاب برای انسان‌ها؛
- تصویری از آینده‌ای مطلوب و پاسخی به این پرسش که «ما می‌خواهیم چه چیزی بیافرینیم؟» در این تعریف، برخلاف رویکرد سنتی، چشم‌انداز آینده‌ای نیست که باید پیش‌بینی شود، بلکه فردایی است که باید خلق شود؛^۳
- چشم‌انداز منبع اساسی قدرت و قدرت است، یعنی توانایی انجام کارها و بسیج منابع.^۴ آنچه که در همه این تعریف‌ها بر آن پای فشرده می‌شود آن است که چشم‌انداز، توانایی نگرستن به فراتر از واقعیت موجود، خلق و ابداع آنچه که اکنون وجود ندارد، تبدیل شدن به آنچه که اکنون نیستم، توانایی زندگی در آرمان است. از این رو، چشم‌انداز آزادی سیاسی عبارت است از تصویر مطلوب و آرمان دست‌یافتنی از آزادی سیاسی در یک افق زمانی معین بلندمدت، که متناسب با مبانی ارزشی تعیین می‌گردد.

1. visions

2. Oxford Advanced Learner Dictionary, 2004.

3. Parikh, & Neubauer, *Corporaet Visioning Int.rev*, p.4.

۴. خزایی، شکل بخشیدن به فردای مطلوب و هنر خلق چشم‌انداز، ص ۸.

۲-۲. ارزش‌های اساسی (Core Values)

ارزش، به معنای هر آنچه که برای ما اهمیت دارد، است. ارزش‌ها، خطوط قرمز زندگی ما را تشکیل می‌دهند. انسان‌ها و جوامع دارای ارزش‌هایی هستند که هویت آنها را رقم می‌زنند. نکته اینجاست که ارزش‌ها وضع نمی‌شوند، بلکه باید آنها را کشف کرد.^۱ ارزش‌های اساسی، اصول و باورهای هدایتگر یک نظام سیاسی است که مستقل از زمان و مکان هستند.^۲ و قابلیت وضع ندارند. همه اقدامات باید در راستای ارزش‌های اساسی انجام شود.

۲-۳. پوشش منابع

مربوط به بررسی اسناد بالادستی، اندیشه سیاسی امام خمینی و مقام معظم رهبری می‌شود.

۲-۴. اسناد بالادستی

اسنادی هستند که محل رجوع قوانین عادی و مهم‌ترین قوانین جمهوری اسلامی ایران هستند؛ و منظور از آنها در این پژوهش قانون اساسی و سند چشم‌انداز هستند.

۲-۵. حقوق طبیعی (فطری)

اصطلاح «حقوق فطری» را در برابر حقوق موضوعه به کار می‌برند. مقصود از حقوق موضوعه، مجموع قواعدی است که در زمان معین بر ملتی حکومت می‌کند و اجرای آن از طرف دولت تضمین می‌شود. «حقوق فطری» یا «حقوق طبیعی»، مجموع اصول و قوانینی هستند که فطرت، آنها را در عقل انسان قرار داده است؛ به سخن دیگر، حقوق طبیعی، حقوقی هستند که انسان صرف نظر از جنس، نژاد، زبان، و... تنها به دلیل انسان بودن، از آن برخوردار است، درحقیقت طبیعی بدیهی‌ترین حق انسان است، مانند حق حیات، حق آزادی، حق انتخاب، حق داشتن زندگی، مسکن، کار و حداقل رفاه و... و حق مالکیت. این حقوق، برتر از اراده حکومت و غایت مطلوب انسان هستند و قانونگذار باید کوشش کند تا آنها را بیابد و اداره اجتماع و قوانین بشری (حقوق موضوعه) را بر پایه آنها قرار دهد.^۳

۱. کورنیش، آینده‌پژوهی پیشرفته، نگاهی ژرف به اصول، مبانی و روش‌های آینده‌پژوهی، ص ۱۴۱؛ و نیز ر.ک:

هاموند، کینی، راینا، انتخاب‌های هوشمندانه، یک راهنمای کاربردی برای تصمیم‌گیری بهتر.

۲. میرشاه ولایتی، راهنمای عملی تدوین چشم‌انداز، ص ۲۷.

۳. کاتوزیان، مقدمه علم حقوق، ص ۶.

۲-۶. آزادی سیاسی

یکی از دغدغه‌های اصلی بشر و یکی از موضوعات اصلی تفکر در طول تاریخ آزادی بوده است. در یکصد سال اخیر نیز در جامعه ما توجه خاصی به آن نشان داده‌اند. به‌رغم کاربرد فراوان و اجماع نظر درباره ارزش و اهمیت آزادی، در خصوص مفهوم آن آشفتگی وجود دارد. به‌طوری که بیش از صدها تعریف برای آزادی مطرح شده است. به تعبیر آیزیا برلین، «معنای آزادی نیز مانند معنای کلمات خوشبختی، خوبی، طبیعت و حقیقت، به قدری کشدار است که با هر گونه تفسیری سازگاری دارد».^۱ بر این اساس، پرداختن به مفهوم آزادی، ضروری به نظر می‌رسد.

۲-۶-۱. مفهوم‌شناسی آزادی

«آزادی» در لغت، به معنای رهایی، خلاص، قدرت عمل، انتخاب، خلاف بندگی و اسارت و اجبار است. در لغتنامه دهخدا آمده است: آزادی: عتق، حریت، اختیار، خلاف بندگی و عبودیت و اسارت و اجبار، قدرت عمل و ترک عمل، قدرت انتخاب، رهایی و خلاص است.^۲ هرچند در زمان‌های گذشته به دلیل شیوع بردگی، حریت و عتق در مقابل بردگی به کار می‌رفت؛ اما در زبان عربی معادل واژه آزادی «اختیار»، «حریت» و «عتق» آمده است.^۳ در زبان انگلیسی دو واژه "Freedom" و "Liberty" معادل آزادی وجود دارند. برخی میان این دو واژه تفاوت گذاشته، معتقدند: اولی در آزادی برتر و فلسفی و دومی در آزادی فروتر، مانند آزادی مطبوعات، اجتماعات و تجارت به کار می‌رود. اما موریس کرنستون، منکر این تفاوت است و تنها گرایش "Freedom" را در حوزه‌های فلسفی و عمومی‌تر و گرایش "Liberty" در حوزه‌های سیاسی و حقوقی را می‌پذیرد؛ البته امروزه برای تمییز معنای آزادی فلسفی (اراده آزاد) از معنای دیگر آن، از تعبیر "Freedom of the will" استفاده می‌شود.^۴

مهم‌ترین بحث درباره مفهوم آزادی با این پرسش‌های اساسی آغاز می‌گردد که آیا آزادی دارای مفهوم و معنای واحد است یا معانی متعدد دارد؟ آیا می‌توان برای آزادی یک مفهوم

۱. برلین، چهار مقاله درباره آزادی، ص ۲۳۶. ۲. لغتنامه دهخدا، واژه «آزادی»، ص ۷۷.

۳. «الاختیار، الاصطفاء و كذلك التخیّر» (ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۲۶۶). البته باید توجه داشت که حریت به معنای آزادی از ردایل به کار می‌رفت، ولی آزادی بیرونی به معنای سیاسی وجود نداشت؛ چرا که مفهوم حقوق انسان مفهومی کمرنگ بود؛ از این رو، مفهوم حریت مفهوم بسیار محدودی بوده است مانند آزادی از حبس یا آزادی از بندگی (ر.ک: بشیریه، «آزادی سیاسی در ایران»، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، ش ۲۹ (۱۳۷۷/۱۳۸۱)).

۴. کرنستون، تحلیلی نوین از آزادی، ص ۴۴-۴۸.

جهان شمول بیان کرد؟ آیا تفاوت برداشت‌ها از آزادی، باعث تعدد و در نتیجه تفاوت ماهوی و ذاتی آن برداشت‌ها می‌گردد؟ آیا ارزش‌ها و بینش‌های افراد در برداشت‌های آنها تفاوت اساسی و جوهری را پدید می‌آورد؟ و در این صورت، آیا مفهوم ذاتی آزادی نیز تغییر یافته، تکثر می‌یابد؟ بدیهی است هر گونه بحثی درباره مفهوم آزادی مستلزم پاسخگویی به این پرسش‌ها و پرسش‌هایی از این دست است.

برخی نویسندگان با تفاوت و تمایز قائل شدن میان «مفهوم»^۱ و «برداشت»^۲، ضمن قائل شدن به وحدت مفهومی آزادی، برداشت‌های گوناگون از آزادی را پذیرفته‌اند. طرفداران وحدت مفهومی آزادی و تمایز میان مفهوم و برداشت، این تمایز و تغایر را در نظریات سیاسی، رایج و قابل قبول دانسته، و معتقدند چنین تمایزی در بسیاری از مقوله‌ها وجود دارد. برای مثال، جان راولز، میان «مفهوم عدالت» و «برداشت‌های متعدد از عدالت» تفاوت گذاشته است: مفهوم عدالت، اصلی است که مورد توافق همه بوده و اختلاف نظرها درباره معیار و ملاک عدالت، برداشت‌های متعددی را باعث گردیده است.^۳

مهم‌ترین نظریه‌پردازی که برای آزادی، مفهومی واحد و در عین حال برداشت‌های گوناگونی را باور دارد، مک‌کالوم^۴ است. وی در مقاله خود با نام «آزادی مثبت و منفی»^۵ با رد نظریه برلین، دیدگاه خود را در این باره بیان می‌کند. او بر این باور است که اساساً آزادی دارای یک مفهوم جهان‌شمول بوده و همه جملاتی که درباره آزادی گفته می‌شوند، به نوعی بیان‌کننده این مفهوم هستند. از نظر مک‌کالوم، هر جمله و عبارتی که درباره آزادی گفته می‌شود، دارای سه عنصر است: آزادی، همیشه رهایی و آزادی چیزی، یا کسی از چیزی یا مانعی برای انجام دادن چیزی، یا برخورداری از چیزی است. وی این مفهوم را به‌طور خلاصه در یک فرمول که به فرمول مک‌کالوم مشهور است، این‌گونه بیان می‌کند: فرد x برای انجام عمل z از دخالت عامل y آزاد است.^۶ از این رو، فردی که می‌خواهد عمل x را انجام دهد، اگر دیگری انجام عمل x را برای او ناممکن یا قابل مجازات سازد، او دیگر آزاد نیست.

1. concept

2. conception

۳. میراحمدی، آزادی در فلسفه سیاسی اسلام، ص ۲۵.

4. McCallum

5. McCallum, "Negative and positive Freedom", *Philosophical Review*, pp.11-14.

6. x is free from y to do or be z .

این نظریه درباره مفهوم آزادی، اختلافات و دیدگاه‌های مختلف درباره این عناصر سه‌گانه را باعث شکل‌گیری برداشت متعدد از آزادی می‌داند. بر این اساس، تفاوت میان «مفهوم» و «برداشت» در این نظریه برجسته می‌گردد؛ یعنی واژه آزادی دارای مفهومی واحد بوده و تفاوت دیدگاه‌ها، به اختلاف برداشت‌ها از این مفهوم و عناصر آن برمی‌گردد. تفاوت دیدگاه‌ها درباره هر یک از عناصر x (فاعل، عامل)، y (مانع، رادع) و z (هدف، غایت) باعث شکل‌گیری برداشت‌های گوناگون از آزادی می‌گردد. از این رو، نباید اختلاف برداشت‌ها را به تفاوت ماهوی آزادی و مصادیق آن نسبت داد، بلکه چنین اختلافی صرفاً بیانگر اختلاف طرز تلقی‌ها و برداشت‌های گوناگون از عناصر اساسی مفهوم آزادی است. در نتیجه، آزادی دارای یک مفهوم و چند برداشت است. برداشت‌ها از آزادی نیز متعدد بوده و با توجه به نگرش‌های گوناگون نسبت به عناصر اساسی مفهوم آزادی شکل می‌گیرند.

مشکل نظریه وحدت مفهومی آن است که با پذیرش این دیدگاه، باید در همه مفاهیم دموکراسی و... به وحدت مفهومی اعتقاد داشت. یعنی تعریف یک فرد سوسیالیست یا لیبرال از دموکراسی را یکسان بدانیم و تفاوت را در برداشت آنها تلقی کنیم. حال اینکه در هر یک از مکاتب، دموکراسی و... دارای مفهوم جداگانه‌ای است؛ چرا که دارای آموزه‌های جداگانه‌ای هستند. در ضمن، باید بر این نکته نیز توجه کرد که افعال انسان از سه بُعد فاعل، مانع و هدف، خارج نیستند. به سخن دیگر، دیدگاه مک‌کالوم یک سنخ‌شناسی در خصوص آزادی است که از طریق سه مؤلفه یادشده از یکدیگر تفکیک و جدا شده است؛ و مسئله سنخ‌شناسی ارتباطی به مفهوم واحد ندارد. با همه این اشکالات، تعریفی از مک‌کالوم درباره آزادی انجام نگرفت. اینکه آزادی دارای چه تعریف و مفهومی است، می‌باید از سوی مک‌کالوم تعریفی ارائه شود که هر سه بُعد یادشده را دربرگیرد. بر این اساس، باید گفت مفهوم آزادی نیز همانند دیگر مفاهیم انسانی، به شدت از دو متغیر زمان و مکان اثر می‌پذیرد. متغیر زمان بر چگونگی نگرش و شکل‌گیری پرسش‌های ما اثر می‌گذارد و متغیر مکان نیز اهمیت دارد؛ چرا که نظام ارزشی و فرهنگی جایی که بحث می‌شود، بر شکل‌گیری بحث اثر می‌گذارد. نگاهی به تحول و تطور اندیشه و مفاهیم سیاسی مؤید این مسئله است. بنابراین، اگر بخواهیم به شیوه موضوعی مفهوم آزادی را معین کنیم، می‌توان به معانی ذیل اشاره کرد:^۱

1. Gray, *Freedom*, Humanities Press International Inc, p.3.

الف) آزادی به عنوان فقدان موانع

یکی از رویکردهای اصلی در تعریف‌های آزادی، تعریف سلبی آزادی است. در این روش اندیشمندان به جای تعریف شیء، به تعریف نقیض آن می‌پردازند. موارد و معرف‌هایی که افراد در تعریف سلبی آزادی بیان کرده‌اند، بیشتر شامل موانع آزادی هستند. آزادی در این دیدگاه به عنوان فقدان موانع، قیود و محدودیت‌ها در برابر یک فرد و اعمال او تلقی شده است. بنابراین، مفهوم آزادی در صورتی صدق می‌کند که هیچ‌گونه محدودیتی برای فرد در انجام خواسته‌های او وجود نداشته باشد. این نقیض‌ها و موانع آزادی بسیار متنوع‌اند و به‌طور کلی می‌توانیم آنها را به پنج دسته تقسیم کنیم: ۱. موانع یا نقیض‌های اقتصادی؛ ۲. موانع یا نقیض‌های سیاسی؛ ۳. موانع یا نقیض‌های اجتماعی؛ ۴. موانع و نقیض‌های فرهنگی؛ ۵. موانع و نقیض‌های فردی و انسانی.^۱ بر این اساس، هر گاه مانع، دولت باشد، آزادی را به تعبیر آیزیا برلین می‌توان به آزادی مثبت و منفی تقسیم نمود:^۲ معنای منفی آزادی عبارت است از فقدان قید و مانع از سوی دولت در انتخاب فرد. و با حرف اضافه «از» مشخص می‌گردد که طبق آن فرد از محدودیت رهاست. برلین در توضیح آزادی منفی می‌گوید:

معمولاً می‌توان گفت انسان تا آنجا آزاد است که دیگری دخالت در کار او نداشته باشد. آزادی سیاسی در این معنا به‌طور ساده عبارت است از قلمروی که در داخل آن، شخص می‌تواند کاری را که می‌خواهد انجام دهد و دیگران نتوانند مانع کار او شوند...^۳

رهایی (آزادی) سیاسی بدین معنا [منفی]، به‌سادگی محدوده‌ای است که یک انسان بدون برخورد با مانعی از طرف دیگران می‌تواند در آن فعالیت کند.^۴

در مقابل، آزادی مثبت، عبارت است از دخالت دولت. بر اساس این دیدگاه، منظور از آزادی مثبت آن است که فرد بتواند با پرورش استعدادهای خود، استفاده‌های لازم را از محیط بیرونی

۱. علایی، «سنخ‌شناسی گفتمان آزادی در ایران امروز و چالش‌های آن»، مجموعه مقالات چالش‌های نظری آزادی و...، ص ۴۶۹.

۲. در توضیح دو اصطلاح مشهور آزادی «مثبت» و «منفی» باید گفت که زمانی که «آیزیا برلین» سخنرانی معروف خود را با عنوان «دو مفهوم آزادی» در اکسفورد ایراد کرد (و متن آن را در سال ۱۹۸۵م، منتشر نمود) چارچوب بحث درباره آزادی بر دو محور معنای مثبت و منفی آزادی شکل گرفته است.

۳. برلین، چهار مقاله درباره آزادی، ص ۲۳۶.

۴. همو، «مروری بر مفاهیم آزادی»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ص ۴.

خود و شرایط موجود در آن محیط ببرد. آزادی مثبت به مفهوم ارباب خود بودن به گونه‌ای است فرد بتواند اراده خود را به انجام برساند. از این رو، دغدغه اصلی آزادی مثبت مداخله و عدم مداخله در فعالیت‌های فرد نیست، بلکه خودگردانی و ارباب خود بودن در کانون توجه این مفهوم از آزادی قرار دارد.

کسانی که آزادی منفی را تشویق می‌کنند، بر حداقل دولت یا دولت نظم ابرام می‌ورزند و وظیفه اصلی دولت را جلوگیری از هرگونه بی‌نظمی تعریف می‌کنند و فرد را در پیروی از خواست‌های خود، کاملاً آزاد می‌دانند. برعکس مفهوم مثبت آزادی، بر حداکثر دولت تأکید می‌کند و نه فقط از «دولت رفاه»، که از دولت اخلاق نیز بحث می‌کند. به این معنا که بر دولت است که هم نظم سیاسی را برقرار کند و هم رفاه و حتی سلامت اخلاقی افراد جامعه را تضمین نماید. مسلماً چنین نگرشی، محدودیت‌هایی بر سر راه آزاد فرد مقرر می‌کند.

ب) آزادی به عنوان شأن و موقعیت اجتماعی

براساس این دیدگاه، به آزادی به عنوان صفتی فردی و روان‌شناختی نگاه نمی‌شود، بلکه نگاه به آزادی، نگاهی ساختاری و نهادی است و این امر بیانگر رابطه فرد با جامعه و ساختارهای آن است. از این رو، ممکن است یک فرد از لحاظ فیزیکی با محدودیت‌هایی مواجه باشد، اما در عین حال بتواند آزادی خود را حفظ کند و به عنوان یک آزادمرد زندگی کند. طرفداران این برداشت مفهومی، سقراط را مصداق بارز چنین فردی می‌دانند. سقراط هرچند با محدودیت‌هایی در جامعه خودش روبه‌رو بوده و به بند کشیده شده بود، اما می‌تواند ادعا کند و در این ادعایش صادق است که در حبس و محدودیت‌ها نیز آزادمرد بوده، زیرا هیچ‌گاه موقعیت آزادگی خود را با موقعیت بردگی معاوضه نکرد.^۱

از نظر طرفداران این نظریه، مشارکت سیاسی و اعمال آن در جامعه، ویژگی اصلی این مفهوم از آزادی است. فرد، به‌رغم وجود موانع و قیود اگر در امور سیاسی - اجتماعی مشارکت کند و بتواند این حق خود را اعمال نماید، آزادی محسوب می‌گردد و به‌عکس اگر کسی از لحاظ فیزیکی با موانع و قیودی هم روبه‌رو نباشد، اما از حق مشارکت سیاسی خود استفاده نکرده و آن را اعمال نکند، فردی آزاد تلقی نمی‌گردد.

1. Gray, *Freedom*, Humanities Press International Inc, p.44.

ج) آزادی به عنوان حق تعیین سرنوشت

در این دیدگاه، فردی که دارای اراده آزاد بوده و بتواند مستقلاً درباره خود تصمیم‌گیری کند، آزاد محسوب می‌شود. اما فردی که هرچند در جامعه‌ای باز زندگی می‌کند، از چنین اراده و استقلال فردی برخوردار نباشد، آزاد نبوده و نمی‌توان او را فردی آزاد نامید. کانت و کوهن استقلال فردی را آزادی دانسته و از آن به نیروی اراده یاد می‌کنند.^۱

د) آزادی به عنوان انجام خواسته‌ها

آزادی در این منظر به مفهوم انجام دادن چیزی است که فرد می‌خواهد. از این رو، فرد در صورتی آزاد است که بتواند آنچه که می‌خواهد انجام دهد. این برداشت از آزادی واقع‌گرا نیست. انسان مسلماً در انجام خواسته‌ها تحت تأثیر عوامل و شرایط سیاسی - اجتماعی و طبیعی قرار دارد و نمی‌تواند هر آنچه را که می‌خواهد انجام دهد.^۲

ه) آزادی به عنوان امکان انتخاب

از این منظر، امکان انتخاب کردن، مترادف آزادی است. از جمله طرفداران این دیدگاه را می‌توان بن^۳ و وینستین^۴ نام برد. بنابراین، اگر فرد بتواند از میان شقوق مختلف، با استفاده از حق انتخاب خود، یکی از موارد را انتخاب کند، این فرد آزاد محسوب می‌گردد، در حالی که فردی که دارای حق انتخاب نبوده و از امکان انتخاب خواسته خود از میان موارد متعدد برخوردار نباشد، آزاد قلمداد نمی‌گردد. هر چقدر امکان انتخاب برای فرد بیشتر باشد، آزادی او نیز بیشتر خواهد بود.

و) آزادی به عنوان قدرت مؤثر و توان عمل

بر این اساس، آزادی، فقدان موانع و محدودیت‌ها نیست، بلکه تسلط و فائق آمدن بر موانع و توانایی در از میان بردن موانع است.^۵

۱. کرنستون، تحلیلی نوین از آزادی، ص ۳۰.

2. Gray, *Freedom*, Humanities Press International Inc, p.36.

3. Ben

4. Weinstein

5. Gray; Ibid. و نیز ر.ک: کرنستون، تحلیلی نوین از آزادی، ص ۳۰.

این دیدگاه از میان تعریف‌های یادشده، تعریفی جامع به نظر می‌رسد. انسان آزاد کسی نیست که در برابر او موانع و محدودیت‌هایی وجود نداشته باشد، بلکه آزاد کسی است که بتواند بر موانع و قیود روی خود غلبه کرده، آنها را از سر راه بردارد؛ همچنین آزادی به معنای شأن و موقعیت اجتماعی نیست. فردی که در زندان به سر می‌برد، عرف او را آزاد نمی‌داند؛ چرا که قدرت انتخاب ندارد. آزادی به معنای برخورداری از حق انتخاب یا داشتن اراده در تعیین سرنوشت نیست؛ چرا که می‌تواند این موارد را داشته باشد، ولی تا زمانی قدرت انتخاب از میان شقوق را نداشته باشد، آزاد محسوب نمی‌شود. به سخن دیگر، شخصی که شرایط لازم برای برخورداری از حق انتخاب خود را نداشته نباشد، آزاد محسوب نمی‌گردد.

۲-۶-۲. ابعاد آزادی

آزادی از جهات و ابعاد مختلفی قابل بررسی است. از آن جهت که گاه خلط این ابعاد با معنای سیاسی آزادی، اشتباهاتی را در نزد اندیشمندان باعث شده، بجاست نگاهی به ابعاد مختلف آزادی فلسفی، آزادی اخلاقی، آزادی عرفانی و آزادی سیاسی داشته باشیم، سپس معنای آزادی سیاسی را بررسی کنیم.

الف) آزادی فلسفی؛ آزادی اراده

در طول تاریخ، پرسشی که همواره اندیشه بشر را به خود مشغول نموده، این است که آیا بشر واقعاً آزاد است، یا مجبور؟ به سخن دیگر، آیا انسان در اعمال و رفتار خود آزاد و مختار است یا همه امور در اختیار قدرتی مافوق طبیعی — خداوند — است؟ در پاسخ به این پرسش، دو دیدگاه مطرح شده است: در یک دیدگاه، بشر واقعاً آزاد است و زیر سلطه و تأثیر اراده‌ای مافوق خود، یا یک سلسله علل و عوامل طبیعی قرار ندارد. در دیدگاه دوم، انسان در اعمال و رفتار خود نه تنها آزاد و مختار نبوده، بلکه مجبور نیز هست؛ حتی برخی افراد از این فراتر رفته و گفته‌اند که انسان در اختیار هم مجبور است و در هر حال انسان باید همان راهی را در پیش گیرد که خداوند برای او مقدر ساخته است. در تفکر مادی نیز عقیده بر این است که در جهان، جبر و دترمینیسم حاکم است؛ یعنی در امور طبیعت و اجتماع هیچ چیزی بدون علت نیست، بلکه هر پدیده طبیعی و اجتماعی معلول علتی است و اراده انسان نیز تابعی از قوانین طبیعی و اجتماعی است. از این دیدگاه بین جبر مادی و جبر الهی فرقی وجود ندارد؛ هر دو جبرند و در هر دو تابع یک اراده حاکم هستند.

از دیدگاه اول، آزادی و مسئولیت انسان قابل طرح است؛ و برعکس، در دیدگاه دوم به جهت مجبور بودن انسان، طرح مسئله آزادی و مسئولیت انسان بی‌معنا خواهد بود؛ زیرا قبول جبر، مستلزم نفی اختیار و گزینش و در نتیجه نفی مسئولیت است.

در خصوص اینکه آیا انسان موجودی است مختار یا مجبور و به سخن دیگر، آیا فاعل و به وجود آورنده اعمال انسان خود اوست یا خدا، بحث‌های فراوانی از صدر اسلام تاکنون شده و این مسئله یکی از مسائل اختلافی میان فرقه‌های اسلامی بوده که در فلسفه و کلام اسلامی تحت عنوان مسئله جبر و تفویض مطرح شده است؛ در این مورد فرقه‌های اسلامی دو دسته شدند:

۱. افرادی که انجام هر گونه فعل از سوی انسان را نفی کرده و تمام افعال انسان را به خداوند نسبت دادند که به آنها جبریه محض گویند؛ مانند فرقه جهمیه و اشاعره که معتقد بودند انسان قدرتی دارد، اما این قدرت در انجام فعل تأثیری ندارد.^۱

۲. معتزله که اعتقاد دارد انسان بر انجام افعال خویش، هم خوب و هم بد، قدرت دارد و موافق کردار خویش نیز مستحق ثواب و عقاب در آخرت می‌شود؛ و خداوند منزّه است از اینکه نسبت ظلم و شر به او داده و کفر و معصیت انجام دهد.^۲ زیرا این گونه امور قبیح هستند و انجام امور قبیح از خداوند محال است.

در مقابل این دو دسته، علمای شیعه و مذهب امامیه به نظریه «لا جبر و لا تفویض بل أمر بین الأمرین» قائل‌اند. محققان امامیه و فلاسفه معتقدند فعل بنده، مخلوق بنده است بی‌واسطه، و مخلوق خدا است با واسطه؛ مانند دیگر موجودات نظر به سایر اسباب.^۳

ب) آزادی اخلاقی

آزادی اخلاقی به معنای رهایی عقل از سلطه غرایز و شهوات، یا به معنی آزادمنشی و داشتن اخلاق آزاد مردان است. این شق آزادی در مکاتب اخلاقی بررسی شده است و بعضی آن را نتیجه سلطه قوه عقل بر شهوت و غضب دانسته‌اند.

۲. همان، ص ۶۸.

۱. شهرستانی، ملل و نحل، ص ۱۱۰.

۳. امام خمینی، طلب و اراده، ص ۵۵ و ۵۶.

ج) آزادی عرفانی

این آزادی به معنای وارستگی از هر چیزی جز خدای متعال است و مفاد آیه قرآن کریم که می‌فرماید: «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ»^۱ اشاره به این نوع آزادی دارد. این قسم از آزادی نیز مانند دو قسم دیگر، خارج از محدوده سیاسی است، زیرا کاملاً جنبه فردی و شخصی دارد و با آزادی سیاسی که مربوط به روابط اجتماعی است، متفاوت است.

د) آزادی حقوقی (قانونی) یا تجویزی

در حالی که آزادی فلسفی به بحث از اختیار، انتخاب و خواست و اراده انسان پرداخته و بود و نبود آن را در انسان بررسی می‌کند، آزادی حقوقی یا قانونی، آزاد و مختار بودن انسان در اعمال و رفتارش را فرض گرفته و به بحث بایدها و نبایدهای آزادی انسان و حد و حدود آن و تجویز آزاد گذاشتن انسان در تصمیم‌گیری می‌پردازد. به سخن دیگر، آزادی فلسفی پایه و اساس آزادی حقوقی است و بدون پذیرفتن آزادی فلسفی انسان، نمی‌توان از آزادی حقوقی و قانونی او در جامعه بحث نمود. در واقع، آزادی حقوقی مبتنی بر آزادی فلسفی است.^۲ بنیاد آزادی حقوقی و قانونی عبارت است از اینکه هیچ رفتاری مستوجب کیفر نیست، مگر آنکه صریحاً در قانون ممنوع شده باشد؛ که از این قضیه استنتاج می‌شود، هر عملی که به صراحت در قانون منع نشده باشد، مباح است. در این تقسیم‌بندی، آزادی سیاسی در درون آزادی حقوق مدنی در مقابل آزادی فلسفی قرار می‌گیرد. برای موضوع آزادی سیاسی این پرسش مطرح نیست که آیا بشر واقعاً آزاد و مختار است یا زیر سلطه اراده بالاتر قرار دارد. اختیار و جبر این نگاه از بحث آزادی سیاسی خارج است. با این حال مختار بودن انسان، مفروض پژوهش حاضر است؛ چرا که در جبر انسان، آزادی سیاسی مفهوم پیدا نمی‌کند.

۲-۶-۳. آزادی سیاسی

با توجه به مفهوم برگزیده از آزادی، تاکنون تعریف‌های متعددی از آزادی سیاسی ارائه شده که به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

۱. نور، ۳۷.

۲. طباطبایی مؤتمنی، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، ص ۱۱.